



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی نقش فقها در پیش‌گیری

از دین‌گریزی جوانان

استاد راهنما:

دکتر محمد جواد حیدری خراسانی

نگارنده:

زهرآ عابدینی

زمستان ۱۳۹۳

چکیده

وجود دین از ضروریات زندگی بشر است و به نوعی سعادت و کمال آدمی در گرو شناخت آگاهانه از دین می‌باشد. جهل سبب شده تا پایه اعتقادات بعضی از جوانان متزلزل شود. در کنار این ناآگاهی، تربیت نامناسب، مدرسه، محیط فاسد، دوستان ناباب، تهاجم فرهنگی، فقر اقتصادی تشدیدکننده این امر هستند. از این روی وجود یک الگوی شایسته برای جوانان از نیازهای اساسی است.

فقها به‌عنوان جانشینان انبیاء و رسولان الهی با عهده‌داری منصب‌های افتاء، قضاوت و اجتهاد، در عصر غیبت امام زمان «عج» هدایت جوانان و مردم را بر عهده‌دارند. از این روی آنان با تبلیغ و اجرای احکام الهی و عملکرد صحیح خود در هر منصب و جایگاهی و متخلق نمودن خود به آداب فردی و اجتماعی چون: تهذیب نفس، اخلاص، نماز شب، تواضع، عزت‌نفس، زهد و ساده‌زیستی، عفو و گذشت، احترام و رعایت قانون، مبارزه با فقر، مبارزه با رخنه فرصت‌طلبان، نفی سلطه کافران، پرهیز از اطاعت کفار، ایستادگی در مقابل دشمن، مانع از دین‌گریزی جوانان شده‌اند.

در این پایان‌نامه سعی شده تا به سؤالاتی پیرامون عوامل زمینه‌ساز دین‌گریزی، جایگاه و مراتب علمی فقها در جریان هدایت جوانان، نقش اخلاق فردی و اجتماعی فقها در پیش‌گیری از دین‌گریزی پاسخ داده شود. از جمله نتایج به‌دست‌آمده آنکه فقها به‌عنوان الگوی معرفتی و رفتاری، فرا روی جوانان، می‌توانند در گرایش آنان به سمت دین نقش بسزایی ایفا نمایند.

کلیدواژه‌ها: فقها، جوانان، دین، دین‌گریزی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
۱- بیان مسئله	۱
۲- اهمیت و ضرورت	۲
۳- هدف تحقیق	۳
۴- سؤالات	۳
۴- ۱- سؤال اصلی	۳
۴- ۲- سؤالات فرعی	۳
۵- فرضیه	۴
۶- پیشینه	۴
۷- تاریخچه بحث	۵
فصل اول کلیات	۶
۱-۱- تعریف واژگان	۷
۱-۱-۱- فقه	۷
۱-۱-۱-۱- فقه در لغت	۷
۱-۱-۱-۲- فقه در اصطلاح	۸
۱-۱-۲- فقیه	۹
۱-۱-۲-۱- فقیه در لغت	۹
۱-۱-۲-۲- فقیه در اصطلاح	۹
۱-۱-۳- جوان	۱۰
۱-۱-۳-۱- جوان در لغت	۱۰

- ۱-۱-۳-۲- جوان در اصطلاح ۱۰
- ۱-۱-۴-۱- دین ۱۰
- ۱-۱-۴-۱- دین در لغت ۱۰
- ۱-۱-۴-۲- دین در اصطلاح ۱۱
- ۱-۱-۵- دینگریزی ۱۱
- ۱-۱-۵-۱- مفهوم گریز ۱۱
- ۱-۱-۵-۲- مفهوم دین گریزی ۱۱
- فصل دوم جایگاه فقه در منظومه معارف دین ۱۲
- ۱-۲-۱- تعریف دین و تبیین وظایف آن ۱۳
- ۱-۱-۲- معنای دین ۱۳
- ۱-۲-۱-۲- دین نیاز همه عصرها ۱۴
- ۱-۲-۱-۳- فلسفه دین ۱۵
- ۱-۲-۱-۳- آگاهی دادن ۱۵
- ۱-۲-۳-۱-۲- داورى ۱۶
- ۱-۲-۳-۳- بیان مسئولیت‌ها ۱۷
- ۱-۲-۳-۴- معرفت جهان ۱۷
- ۱-۲-۳-۵- نشاطبخشی به زندگی ۱۸
- ۱-۲-۴- جامعیت دین ۱۹
- ۱-۲-۵- سهولت دین ۲۰
- ۱-۲-۶- دینداری ۲۱
- ۲-۲- تعریف فقه و تبیین وظایف آن ۲۲
- ۱-۲-۲- مفهوم فقه ۲۲

- ۲۲-۲-۲-هدف از علم فقه ۲۲
- ۲۳-۳-۲-شمولیت فقه اسلامی ۲۳
- ۲۴-۴-۲-نقش فقه در زندگی فردی و اجتماعی ۲۴
- ۲۶-۵-۲-آمیختگی فقه و اخلاق ۲۶
- ۲۸-۳-۲-علل دین‌گریزی ۲۸
- ۲۹-۱-۳-۲-تربیت نامناسب ۲۹
- ۳۰-۱-۳-۲-مفهوم تربیت ۳۰
- ۳۰-۲-۳-۲-ضرورت تربیت ۳۰
- ۳۰-۳-۱-۳-۲-آسیب‌شناسی تربیت ۳۰
- ۳۱-۱-۳-۱-۳-۲-نام و القاب ناشایست ۳۱
- ۳۱-۲-۳-۱-۲-بی‌محبتی به فرزند ۳۱
- ۳۱-۳-۱-۳-۲-افراط در محبت ۳۱
- ۳۱-۴-۳-۱-۳-۲-خشونت ۳۱
- ۳۲-۲-۳-۲-محیط اخلاقی و اجتماعی ۳۲
- ۳۲-۱-۲-۳-۲-تأثیر محیط بر شخصیت جوانان بنا بر آیات قرآن ۳۲
- ۳۴-۳-۳-۲-مدرسه ۳۴
- ۳۴-۱-۳-۳-۲-اهمیت تعلیم و تربیت ۳۴
- ۳۵-۲-۳-۳-۲-وظیفه استاد ۳۵
- ۳۶-۴-۳-۲-عملکرد نامناسب برخی از عالمان دین ۳۶
- ۳۶-۱-۴-۳-۲-نقش رفتار عملی فقها در هدایت مردم ۳۶
- ۳۸-۵-۳-۲-دوستان ۳۸

- ۳۹-۳-۵-۱-همنشین و پایه گذاری اخلاق.....
- ۴۰-۳-۶-۲-تهاجم فرهنگی.....
- ۴۰-۳-۶-۱-تهاجم فرهنگی شیخون ناگهانی دشمن.....
- ۴۱-۳-۶-۲-ابزار و وسایل تهاجم فرهنگی.....
- ۴۱-۳-۶-۳-رسانه ابزار تهاجم فرهنگی.....
- ۴۲-۳-۶-۱-تلویزیون و رادیو.....
- ۴۲-۳-۶-۲-ماهواره.....
- ۴۳-۳-۶-۳-اینترنت.....
- ۴۴-۳-۷-فقر اقتصادی.....
- ۴۴-۳-۷-۱-ارتباط مال با دین داری.....
- ۴۵-۳-۷-۲-پیامد زیانبار فقر.....
- ۴۵-۳-۸-لقمه حرام و آثار آن.....
- ۴۶-۳-۸-۱-آثار لقمه حرام.....
- ۴۶-۳-۸-۱-۱-آثار فردی لقمه حرام.....
- ۴۷-۳-۸-۲-آثار اجتماعی لقمه حرام.....
- ۵۱- فصل سوم نقش مؤلفه‌های علمی فقها در پیش‌گیری از دین‌گریزی جوانان.....
- ۵۱-۳-۱-علمای ربانی عامل هدایت نسل جوان.....
- ۵۴-۳-۱-۱-شخصیت علمی.....
- ۵۵-۳-۱-۱-۱-مناصب فقیه.....
- ۵۶-۳-۱-۱-۱-۱-منصب افتاء.....
- ۵۷- الف: روان بودن فتوا و پرهیز از عبارتهای فنی و علمی فقه و اصول.....
- ۵۸- ب: به روز بودن و متناسب سن و سطح مخاطب.....

- ت- متناسب با سطح تحصیلات، شغل و جنسیت ۵۸
- ث- پرهیز از بیان فتاویٰ اختلافی ۵۹
- ج- داشتن سایت یا سامانه پیامکی برای آنلاین پاسخ دادن سؤالات شرعی ۶۰
- چ- مشخص کردن حد و مرز و فلسفه برخی فتواها ۶۰
- ح- پرهیز از حاکمیت جو جمود بر بیان فتواها ۶۱
- ۳-۱-۱-۱-۲- قضاوت ۶۳
- ۳-۱-۱-۱-۳- ولایت ۶۶
- ۱-۳-۱-۳-۱- رهبری و دوری از تجملگرایی ۶۹
- ۲-۱-۱-۳- شخصیت علمی ۶۹
- ۳-۱-۱-۳- پاسخگویی به شبهات ۷۳
- ۱-۳-۱-۱-۳- نفوذ اندیشه های بیگانه ۷۴
- ۳-۱-۱-۴- فقه و پرداختن به مسائل مستحدثه فراروی جوان ۷۵
- فصل چهارم بررسی نقش مؤلفه‌های عملی و اخلاقی فقها در پیش‌گیری از دین‌گریزی جوانان
- ۸۰
- ۱-۴- جوان و اثرپذیری ۸۰
- ۱-۱-۴- شخصیت فردی و اخلاق شخصی ۸۱
- ۱-۱-۴- تهذیب نفس ۸۳
- ۱-۱-۴- اخلاص ۸۴
- ۱-۱-۴- پرستش و عبادت ۸۶
- ۱-۱-۴- شب‌زنده‌داری و تهجد ۸۷
- ۱-۱-۴- تواضع ۸۸
- ۱-۱-۴- عزت‌نفس و آزادگی ۹۰
- ۱-۱-۴- زهد و ساده زیستی ۹۱

- ۹۳ ۸-۱-۴- حسن خلق
- ۹۴ ۹-۱-۱-۴- عفو و گذشت
- ۹۵ ۲-۴- اخلاق اجتماعی
- ۹۵ ۱-۲-۴- مصادیق اخلاق اجتماعی
- ۹۵ ۱-۱-۲-۴- مبارزه با فقر و محرومیت‌زدایی
- ۹۶ ۲-۱-۲-۴- اتحاد
- ۹۷ ۳-۱-۲-۴- مبارزه با ظلم
- ۹۸ ۴-۱-۲-۴- نفی سلطه کافران و پرهیز از اطاعت کفار
- ۹۹ ۵-۱-۲-۴- ثبات قدم و ایستادگی در برابر دشمنان
- ۱۰۰ ۶-۱-۲-۴- احترام و رعایت قانون
- ۱۰۱ ۷-۱-۲-۴- صیانت و پاسداری از ارزشهای فرهنگی
- ۱۰۲ ۸-۱-۲-۴- ایثار و از خود گذشتگی
- ۱۰۲ ۹-۲-۴- مبارزه بارخنه فرصت طلبان
- ۱۰۵ ۱-۳-۴- فرایند ارتباط گیری با جوان
- ۱۰۵ ۱-۱-۳-۴- آگاهی و بصیرت
- ۱۰۶ ۲-۱-۳-۴- شناخت زمان و مکان
- ۱۰۷ ۳-۱-۳-۴- هماهنگی کردار و گفتار
- ۱۰۷ ۴-۱-۳-۴- دوری از افراط و رعایت ظرفیت جوانان در انجام مناسک دینی
- ۱۰۹ ۵-۱-۳-۴- رعایت قاعده تدریج
- ۱۱۱ نتیجه
- ۱۱۵ منابع و مآخذ

مقدمه

۱- بیان مسئله

دین عبارت است از شریعت مقدّس؛ اعم از اصول و فروع که پیامبران الهی آن را از طریق وحی دریافت و به بندگان خدا ابلاغ کرده‌اند.^۱

یا دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و احکام است. یعنی یک سلسله معارف علمی و عملی را که مجموعه اعتقاد به هست‌ها و نیست‌ها و مجموعه بایدها و نبایدهاست، دین می‌نامند. این دین نزد خدای سبحان همان اسلام همه‌جانبه انسان در ساحت هدایت حق متعال است و این دین فطری انسان است.^۲

چون فطرت تغییر نمی‌پذیرد، خطوط و اصول کلی دین نیز، تغییرناپذیر است. یعنی دین نه‌تنها گذشته‌ای طولانی را پشت سر گذاشته است، بدون آنکه در آن تغییری راه پیدا کند، در آینده نیز تغییر نمی‌پذیرد.

به بیان دیگر: قرآن کریم این ادعا را کاملاً تبیین می‌کند و می‌گوید: دین به معنای مجموعه معارف، اخلاق و احکام و خواسته فطرت است و چون فطرت انسان‌ها تغییر نکرده و نمی‌کند، پس دین الهی تا انسان هست، تغییر نمی‌کند
با توجه به فطری بودن دین، گاهی احساس می‌شود که برخی از جوانان به ظاهر بی‌دین، فطری بودن دین را نقض می‌کنند.

آیا ادعای قرآن مبنی بر فطری بودن دین درست است یا باید به نحوی آن را توجیه کرد.

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.»^۳

۱. جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، "فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام"، (مصحح: محققان مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلام)، چاپ اول، (قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ هـ ق)، ج ۳، ص ۶۸.

۲. عبدالله جوادی آملی، "فطرت در قرآن"، (محقق: محمدرضا مصطفی پور)، چاپ سوم، (قم: مؤسسه نشر اسراء، ۱۳۸۴).

۳. سوره روم، آیه ۳۰.

بنابر آیه بالا ما معتقدیم انسان بی دین پیدا نمی‌شود؛ بلکه گاهی بر اساس عوامل درونی یا بیرونی انسان‌ها بددین می‌شوند؛ یعنی بجای آنکه خدا را محور زندگی قرار دهند، به دنبال مد لباس، کفش، آهنگ‌های به‌روز، فلان بازیگر، فلان فوتبالیست و... هستند؛ به‌گونه‌ای که نحوه آداب و معاشرتشان هم برگرفته از همان مکاتب الهادیت است.

لازم است یادآوری کنیم که بیان این بحث در واقع پرداختن به نقش برجسته علما و فقها به‌عنوان مروّجان و عاملان دین است که بعد از پیامبر و ائمه با استخراج بایدها و نبایدهای وارده در آیات و روایات جوابگوی مکلفین و هدایت‌کننده آنان به سوی کمال و سعادت می‌باشند؛ اما از آنجاکه در عرصه جهان امروز مکاتب و عرفان‌هایی نوظهور پا به میدان گذاشته‌اند و به‌نوعی بافرهنگ زندگی اسلامی جوانان پیوند خورده‌اند. لذا بحران ایجادشده در زمینه دین‌داری جوانان بسیار عمیق و گسترده است و می‌تواند به بحران‌های روحی، فکری، اجتماعی و حتی عقیدتی بینجامد و نتیجتاً به بی‌هویتی جوانان منجر گردد که مصیبت و آسیب دینی، عظیم‌ترین مصیبت‌ها و آسیب‌هاست.

این‌ها همه برای آن است که به جوان ما بگویند بجای بیراهه رفتن، به دنبال صراط مستقیم باشد که همان اطاعت خدا و رسولش است.

ما در این پایان‌نامه در پی آنیم که عوامل دین‌گریزی جوانان را بررسی کرده و اثبات کنیم دین فطری و ذاتی انسان است و دین‌گریزی مسئله‌ای عارضی است؛ و فقها به‌عنوان الگوی دین‌مدار آمده‌اند تا با روش زندگی و اخلاق نبوی خود زمینه‌گرایش جوانان به دین را فراهم آورند.

۲- اهمیت و ضرورت

سعادت و کمال خواست طبیعی هر انسانی و وجود امنیت و رعایت قانون لازمه هر جامعه‌ای است.

اما کشورهای جهان سوم و یا در حال پیشرفته با تأثیرپذیری از فرهنگی که دشمنان غربی برایشان تدارک دیده‌اند، دچار نوعی از خودبیگانگی و از خودباختگی می‌شوند؛ آن چنانکه این افکار و عقاید در ذهن جوانان بالأخص قشر تحصیل‌کرده و دانشگاهی که در هر جامعه‌ای از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، رسوخ کرده و باعث تزلزل اعتقادی و به‌تبع آن تزلزل روحی و

روانی و اقتصادی جامعه می‌شود؛ که درنهایت جامعه متدینین که باید در واقع جامعه‌ای پویا و فعال و در حال حرکت باشد، به جامعه‌ای انفعالی، ذلیل و خوار تبدیل می‌گردد.

اینجاست که ضرورت این موضوع روشن می‌شود؛ زیرا جوانان ما از نظر هیجانی، عاطفی و شناختی فطرتاً آمادگی پذیرش دین را دارند؛ اما امروز فاصله بعضی از آن‌ها از دین را به خوبی احساس می‌کنیم و اگر خوب گوش دهیم زنگ‌های خطر را خواهیم شنید و با جوانان و نوجوانانی روبرو می‌شویم که آلوده به مواد مخدرند و یا گرفتار بیماری ایدز و فسادهای اخلاقی، اگر سری به حوادث روزنامه‌ها بزنیم متوجه می‌شویم که هر روز بر تعداد جوانان معتاد و شروری که مرتکب قتل و جنایت می‌شوند افزوده می‌گردد این‌ها گویای آن است که اگر کار فرهنگی نشود ممکن است تاریخ اندلس تکرار شود.

این تحقیق بر آن است تا بتواند با تعریف دین و فقه و بیان وظایف آن دو و بیان علل دین‌گریزی و آشنا نمودن جوانان با سیره و روش زندگی فقها تا حدودی مانع دین‌گریزی گردد.

۳- هدف تحقیق

ما در این نوشتار عوامل دین‌گریزی جوانان را برشمرده و با بررسی نقش عملی و تبلیغی فقها در روند جذب جوانان به سمت دین حنیف، زمینه‌ای را فراهم آورده تا الگوهای موفقیتی همچون فقها و علمای دین را به اقشار زیر برشمرده: ۱- خانواده‌ها تا بتوانند فرزندانی صالح تربیت نمایند. ۲- به مسئولین تا با فرهنگ‌سازی سبک زندگی و رفتار و کردار عالمان وارسته که برگرفته از زندگی ائمه علیهم‌السلام می‌باشد، جامعه‌ای بسازند که در آن وجود امنیت و قانون مشهود باشد. ۳- و به جوانان تا سیره عملی و رفتار فقها و علما، چراغ راهی باشد تا از گمراهی و ضلالت نجات یابند.

۴- سوالات

۴-۱- سؤال اصلی

نقش فقها در پیشگیری از دین‌گریزی جوانان چیست؟

۴-۲- سوالات فرعی

۱- چه عواملی زمینه‌ساز دین‌گریزی جوانان می‌شود؟

۲- در پیشگیری از دین‌گریزی جوانان فقها از نظر شخصیت علمی چگونه مثر ثمر واقع خواهند شد.

۳- فقها چگونه با کردار و گفتار خود جوانان را جذب دین حنیف می‌کنند؟

۴- سیره تبلیغی فقها در جریان هدایت جوانان و پیشگیری از دین‌گریزی چگونه می‌تواند باشد؟

۵- فرضیه

به نظر می‌رسد دین‌گریزی همان واپس‌گرایی و فاصله گرفتن جوانان از دین حنیف است، دغدغه‌ای که جوامع اسلامی را گرفتار خود کرده و هرروز که می‌گذرد عمقش بیشتر می‌شود. در این میان خانواده، دوستان ناباب، محیط فاسد اجتماعی، فقر اقتصادی، عملکرد نادرست عالمان دین به این معضل دامن زده است.

فقها به‌عنوان مروجان دین و الگوی دین‌مداری، نحوه و چگونگی زندگی آن‌ها چه در کردار و چه رفتار باید برگرفته از زندگی انبیا و رسولان الهی باشد تا در هدایت جوانان و پرورش فضایل و کمالات انسانی آنان، موفق باشند.

جوانان به سبب اقتضای سن خود به دنبال شخصیتی هستند تا بتوانند او را به‌عنوان الگوی خود انتخاب کنند تا زندگی‌شان را بر اساس کردار و گفتار او تنظیم کنند از جمله این الگوها فقیهان و عالمان دین می‌باشند. خصوصاً آنکه فقیه به‌عنوان مجتهد و الگوی دین رفتار و عملش می‌تواند هم سبب گرایش جوانان به دین و هم خدای‌ناکرده زمینه‌ساز دین‌گریزی گردد. فقها بنابر احادیث معتبر^۱ جانشینان انبیای الهی هستند بالأخص آنکه جامعه اسلامی در عصر غیبت امام عصر «عج» نیاز به احیا و برپایی احکام الهی و حفظ ارزش‌های اسلامی و ابلاغ و رساندن پیام الهی به جامعه بشری می‌باشد؛ از این‌رو نیاز است فقیهان مسئولیت خطیر تبلیغ را به درستی انجام دهند تا به این هدف جامعه عمل بیوشند.

۶- پیشینه

با توجه به تحقیقات به عمل آمده در این زمینه تا به حال راجع به نقش فقها در پیش‌گیری از دین‌گریزی جوانان تحقیقی به طور مستقل فهرست نشده است؛ و تنها در منابع

۱. عباس قمی، "سفینه البحار"، چاپ اول، (قم: اسوه ۱۴۱۴ ق)، ج ۲، ص ۳۸۱.

فقه روایی و عقاید و منابع اخلاقی از این موضوع بحث شده است؛ بنابراین می‌توان گفت این اولین پایان‌نامه به عمل آمده در این زمینه می‌باشد.

۷- تاریخچه بحث

می‌شود ادعا کرد که این پدیده قریب و ناآشنا نیست؛ بلکه اگر مروری بر تاریخ داشته باشیم، متوجه می‌شویم که قبل از این هم عده‌ای از جوانان با دلایلی با پیامبران خود مخالفت می‌کردند و مانع از دعوت آنها می‌شدند. نمونه آن قوم نوح است که با گستاخی و غرور کاذب خود با پیامبرشان مخالفت می‌کردند و او را به باد سخره می‌گرفتند خداوند در مورد آنها می‌فرماید:

«جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَ اسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَ أَصْرُوا وَ اسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا»^۱.

آنها در برابر دعوت نوح «علیه السلام» به چهار روش مقابله کردند: ۱. انگشتان خود را در گوش‌هایشان قرار دادند. ۲. لباس‌هایشان را در خود پیچیدند و بر سر افکندند تا امواج صدای نوح به گوش آنها نرسد. ۳. در کفر خود اصرار لجاجت نمودند. ۴. شدیداً غرور و خودخواهی ورزیدند.

۱. سوره نوح، آیه ۷.

فصل اول: کلیات

۱-۱-تعریف واژگان

۱-۱-۱-فقه

۱-۱-۱-۱-فقه در لغت

در نگاه بدوی و مراجعه ابتدایی به کلمات و تعبیرات کثیری از اهل لغت، به نظر می‌رسد که «فقه» به معنای مطلق فهم است و این معنا از تعبیراتی نظیر گفته‌های ذیل استفاده می‌شود:

فقه کلمه‌ای عربی، مصدر ثلاثی مجرد به معنای فهم الشیء است ابن فارس می‌گوید علم به هر چیزی، فقه است و در زبان شرع به علم خاصی گفته می‌شود.^۱ یا دانستن چیزی و فهم آن، مهارت و هوشیاری، دانش احکام شرعی از ادله تفصیلی.^۲ در فرهنگ عمید آمده است فقه به معنای دانشمند و دانا شد یا به معنای هوشیار و تیزفهم و دانشمند و عالم به احکام شرعی^۳ یا فهم دقیق مسائل نظری است.^۴ فقه در لغتنامه دهخدا به معنای فهمیدن، دریافتن و زیرکی است.^۵ در قرآن نیز فقه به همین معنا آمده است:

«قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ...»^۶ گفتند ای شعیب ما بسیاری از آنچه را

می‌گویی نمی‌فهمیم.

«لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا»^۷ قلوبی دارند که با آنها نمی‌فهمند.

۱. ر.ک. حسن مصطفوی، "التحقیق فی کلمات القرآن الکریم"، چاپ اول، (تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر، ۱۴۰۲ ه ق)، ج ۹، ص ۱۲۳. اسماعیل بن حماد جوهری، "الصحاح. تاج اللغة و صحاح العربیة"، (محقق احمد عبد الغفور عطار)، چاپ اول، (لبنان: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ه ق)، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲. فؤاد افرام بستانی، "فرهنگ ابجدی"، چاپ دوم، (تهران: ۱۳۷۵ ش)، ص ۶۶۹.

۱. حسن عمید، "فرهنگ عمید"، چاپ اول، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ج ۳، ص ۱۸۴۸.

۴. ابو القاسم گرجی، "تاریخ فقه و فقها"، چاپ سوم، (تهران: مؤسسه سمت، ۱۴۲۱ ه ق)، ص ۱۰.

۵. علی اکبر دهخدا، "لغتنامه دهخدا، (تهران)، مؤسسه انتشارات و دانشگاه تهران، (۱۳۷۷)، ج ۱۱، ص ۱۷۱۹۲.

۶. سوره هود، آیه ۹۱.

۷. سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافًّا ۚ فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ
طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ

لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.^۱

سیاق آیات ماقبل و مابعد که درباره جهاد است نشان می‌دهد که مراد از «لِيَنْفِرُوا» رفتن به جهاد و مراد از «فَلَوْ لَا نَفَرَ» رفتن به محضر رسول خدا «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» برای طلب علم و تفقه در دین است.^۲

اما اگر مجدداً در عبارات لغویان که در مقام تعیین تفاوت‌های ظریف و موشکافانه بین واژگان متشابه برآمده‌اند و فروق اللغه را تدوین کرده‌اند تأمل کنیم پی می‌بریم که «فقه» در لغت، مطلق فهم نیست بلکه آن موشکافی و ریزبینی و فهم دقیق است و اگر بخواهیم دقیق‌تر سخن بگوییم باید به جای «فهم دقیق» از واژه «ادراک دقیق» استفاده کنیم و بگوییم: با مراجعه به فروق اللغه، به این نتیجه می‌رسیم که فقه در لغت، مطلق علم به یک شیء و ادراک آن نیست بلکه ریزبینی و ادراک دقیق را «فقه» گویند؛ زیرا گرچه در عبارات‌های مزبور فقه به «مطلق فهم» معنا شده، اما با مراجعه به بعضی از کتب لغت به دست می‌آید که واژه «فهم» خود، برابر با مطلق علم و ادراک نیست بلکه عبارت از ادراک خفی و دقیق است؛ و با نوعی استنتاج و تعقل: «ادراک امر عن تعقل و هو الاستنتاج العلمی»^۳ همراه است چنانکه «تفهیم» در مثل «فَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ...»^۴ باری بیش از مطلق تعلیم دارد و وقتی می‌گوییم: «به او تفهیم کردم» مقصود این است که او را به عمق و باطن مطلب رساندم.

۱-۱-۱-۲- فقه در اصطلاح

فقه در اصطلاح دانستن احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی آنهاست؛ بنابراین، فقه مطلق دانستن احکام نیست بلکه دانستن استدلالی احکام است، یعنی دانستن از روی ادله و وسائط در اثبات آنها نه وسائط در ثبوت.^۵

۱. سوره توبه، آیه ۱۲۲.

۲. علی اکبر قرشی بنایی، «قاموس قرآن»، چاپ ششم، (تهران: ۱۴۱۲ق)، ج ۵، ص ۱۹۸.

۳. ناصر مکارم شیرازی، «دائرة المعارف فقه مقارن»، (مصحح جمعی از اساتید و محققان حوزه قم)، چاپ اول، (قم: انتشارات

مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ هـ ق)، ص ۳۱.

۴. همان.

۵. ابو القاسم گرگی، ص ۱۰.